

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران – توفان

۱۰ نومبر ۲۰۱۱

در نقد یک شعار ارتجاعی

نه غزه نه لبنان "جاتم" فدای ایران

در سوریه توسط اپوزیسیون مشکوک تصاویری از احمدی نژاد، بشار اسد و حزب الله لبنان، در کنار هم به عنوان جبهه شیعه در مقابل جبهه سنی پخش و در رسانه های گروهی غرب نشان داده می شود. مطبوعات اپوزیسیون سوریه که بیشتر از عربستان سعودی و اسرائیل، توسط فرستنده های الجزیره و العربیه، سیراب می شوند، مقالاتی به ضد هجوم عجم ها (ایرانی ها) که ضد عرب هستند به خاک سوریه و عراق و..، در داخل سوریه پخش می کنند و مضحک این که آنها در مقالات خویش تکیه بر این می نمایند، که خمینی رهبر و مرجع تقلید شیعیان ایران، اصلیت هندی دارد و پدرش هندی و مادرش ایرانی بوده است و می خواهد دنیای اسلام را نابود گرداند. یک جنبش ضد ایرانی و ضد شیعه در میان اپوزیسیون مشکوک سوریه در حال شکل گیری است، تا مبارزه مردم منطقه به ضد امپریالیسم و صهیونیسم را به مبارزه میان شیعه و سنی بدل کند. اپوزیسیون فعال سوریه نشان می دهد که دست دراز شده عربستان سعودی و امریکا و فرانسه در منطقه است. این اپوزیسیون می خواهد مانند احمد چلبی عراقی، کنگره ملی مخالفین سوری را تشکیل دهد که مرکزش باید در آنکارا باشد. به این جهت است در سوریه با یاری عربستان سعودی، امریکا، اسرائیل، ترکیه و دارو دسته حریری در لبنان، جوی ضد ایرانی با شعارهای ضد شیعی تبلیغ می شود. این سیاست نخست با دروغهایی نظیر این که سپاه پاسداران مستقیماً در سرکوب مردم سوریه دست دارد، آغاز شد و توسط رسانه های صهیونیستی در سراسر جهان و در میان مثنی ایرانی بی اراده و دنباله رو در خارج از کشور، که با مغز سازمانهای امنیتی می اندیشند تا با مغز خود، تبلیغ و رواج داده شد. تجربه نشان داد، دولت بشار اسد با توپ و تانکی که در اختیار دارد، نیازی به چاقوکشهای لباس شخصی ایران نداشته است. این تبلیغات ضد ایرانی زمانی صورت می گرفت، که گروههای مسلح مشکوک در سوریه به مبارزه مسلحانه علیه قوای انتظامی و ارتش دست زده بودند و این حقایق از جانب رسانه های دروغپرداز غرب کتمان می شد. شعار نه ایران، نه لبنان، نه سوریه بیشتر خویشاوندگی با شعار نه غزه، نه لبنان "جاتم" فدای ایران دارد. هر

دو شعار از یک منبع ناپاک بیرون می آیند و هدف واحدی را دنبال می کنند. حزب ما از همان روز نخست با این شعار انحرافی و مشکوک مبارزه کرد و این مبارزه را ادامه می دهد.

اپوزیسیون خود فروخته سوریه در سایتهای اینترنتی با جعل اخبار و ویدئوهای ضد انقلابی و جعلی به ضد ایران و لبنان بسیار فعال است و این فعالیت با سفر غیر مجاز سفیر امریکا و فرانسه به مناطق درگیر در داخل خاک سوریه، به خوبی نشان داده شده است. بی شرمی امپریالیستها در دخالت در امور داخلی کشورها حد و مرزی ندارد. تصمیمات تنها به اساس زور و قلدری گرفته می شود، آنهم بر این مصداق که "اگر زورت می رسد جلوی ما را بگیر".

هم اکنون سخن بر سر آن است که با تجهیز و آموزش فراریان در ترکیه حداقل یکی از دهات نزدیک مرز ترکیه را اشغال کرده و ادعای دولت آزاد سوریه را بنمایند، تا بشود سیل کمکهای "بلا عوض" را رسماً برای این اپوزیسیون سرازیر کرد. اپوزیسیون ارتجاعی سوریه که می داند بسیاری از مخالفین دولت بشار اسد مخالف تجاوز به خاک سوریه هستند، جرأت آنرا ندارند که رسماً از تجاوز و تحریم امپریالیسم و صهیونیسم دفاع کنند، ولی مرتب از امپریالیستها می طلبند که به آنها یاری رسانند. تحریکات علیه ایران و لبنان بخشی از این سیاست ستراتیژیک است و این سیاست مکمل سیاستی است که پاره ای عمال خود فروخته که سرشان به منابع امپریالیستی چسبیده است، با مکاری و استفاده از فساد دستگاه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در میان جنبش دموکراتیک مردم ایران مطرح ساختند که در موج اول با شکست روبرو شد. آنها در تلاشند همان سیاست ضد عرب و ضد لبنان و ضد فلسطین را در موج دوم بر جنبش مردم سوار کنند و با نفی ماهیت امپریالیسم و صهیونیسم و آرایش چهره امپریالیسم راه تجاوز به ایران و نفی حمایت مردم منطقه از مردم ایران را موجب شوند. به این جهت حزب ما بار دیگر ماهیت ارتجاعی این شعار به ظاهراً میهندوستانه را افشاء می کند.

این شعار کاملاً گزینشی و سیاسی، ناسیونال شونیستی و نژادپرستانه خلاف ظاهر فریبنده اش، یک شعار سراپا ارتجاعی است. این شعار از نظر تئوریک نادرست و از نظر عملی در خدمت جنایات و مصالح صهیونیسم و امپریالیسم در منطقه است. نه صهیونیستها و نه امپریالیستها دلشان برای کشور ایران و نوار غزه و مردم لبنان نسوخته است، ولی دلشان از این می سوزد، که ملت فلسطین از حمایت اکثریت مردم ایران و حتی دولت ایران با هر انگیزه ای، برخوردار است. امپریالیستها با همبستگی ملی و قدرت ملتها، که می توانند در مقابل آنها قد علم کنند، بیمناکند و ترجیح می دهند به تجزیه کشورها بپردازند، تا بتوانند با تسلط بر هر یک از این ممالک جداگانه و ملاً ضعیف، شیره جان مردم و منابع اولیه این ممالک را بکنند و غارت کنند. امپریالیستهای اروپا، در عین این که اتحادیه اروپا را ایجاد کرده، تا خودشان در اثر وحدت و قدرت، توانائی غارت و رقابت با امپریالیستهای چین و روسیه و امریکا را داشته باشند، برای تجزیه یوگسلاوی، روسیه، ایران، سودان، لیبیا، سومالی، نیجریه و... به شدت فعالند.

شرم آور نیست که مشتی اقلیت ناچیز، سرکوب و نابودی سایر ملتها را، وثیقه آزادی ملت خودشان قرار دهند؟ طبیعی است که در اینجا، حتی خلاف ظاهر این شعار، دفاع از ملت خود نیز مطرح نیست، زیرا آزادی مردم ایران با آزادی مردم منطقه همسرنوشتی دارد. به تونس و مصر و سوریه و بحرین و... نگاه کنید تا تأثیرات متقابل این جنبشها را بر روی یکدیگر ببینید. آزادی ملت ایران در گرو مبارزه ملت ایران برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و قطع دستهای امپریالیستها و صهیونیستها از منطقه است و نه تنها از لبنان و فلسطین. امپریالیستها برای سرکوب و غارت ایران، تمام منطقه خلیج فارس را به پایگاههای نظامی خویش بدل کرده اند، جمهوری آذربایجان

و گرجستان و ترکیه و کردستان عراق و افغانستان و بسیاری ممالک آسیای میانه مَقَر پایگاههای آنها علیه ایران است. و نه تنها ایران آخوندی، بلکه ایران آزاد و دموکراتیک و انقلابی فردا نیز از این پایگاهها مورد تهدید و خطر قرار خواهد گرفت. این واقعیتها ربطی به غزه و لبنان ندارد. این عوامفریبی و خاک پاشیدن به چشم مردم ایران است، اگر مدعی شویم مشکلاتی که امپریالیستها در منطقه ایجاد کرده اند، ناشی از حمایت مصلحتی رژیم جمهوری اسلامی از مبارزه مردم فلسطین و لبنان است، آیا اگر رژیم جمهوری اسلامی از این سیاست خویش دست بردارد، بحران منطقه خاتمه می یابد و امپریالیستها به خانه های خویش بر می گردند؟ باید سفیه بود که چنین پندارهای پوچی را پذیرفت و به آن دامن زد.

رژیم جمهوری سرمایه داری اسلامی که یک رژیم سرکوبگر است، برای خواستهای انسانها ارزش قایل نیست. این انسانها چه ایرانی باشند و چه فلسطینی، لبنانی و یا اهل سوریه. این رژیم، بنا بر منطق اسلامیش، اساسا برای ابناء بشر فقط وظیفه به رسمیت می شناسد و نه حقوق، رژیمی که بارها اعلام کرده که منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد را که خودش امضاء کرده به رسمیت نمی شناسد و حقوق بشر را با منطق مذهبی رنگ آمیزی می کند، تا بتواند مانند قرون وسطی آنرا زیر پا بگذارد، آری چنین رژیم مزوری که مردم کشورش را بیرحمانه سرکوب می کند و شکنجه می دهد و زندانها را از مبارزان راه آزادی مملو می سازد، به یک باره احساسات "انسانیش" جوش می آید و از نقض حقوق بشر فلسطینیها در فلسطین و از جنایات اسرائیل که برای انسانها ارزش قایل نیست، سخن می راند. رژیم حاکم می گوید، که صهیونیستها، فلسطینی ها را می ربایند و به گروگان می گیرند و دسته دسته از کودک و بزرگ را به قتل می رسانند. این دوگانگی و بی شرمی، دست کمی از بی شرمی و ریاکاری امپریالیستها و صهیونیستها ندارد. رژیمی که در کشورش، مردمش با مشکل مسکن و تهیه مایحتاج اولیه زندگی روبرو هستند، در بلندگوهای تبلیغاتی خویش می دمد، که به حزب الله لبنان و حماس در فلسطین کمک می رساند. و نه تنها به تبلیغات دست می زند، بلکه در عین حال مردم معترض به افزایش هزینه زندگی را برای افزایش بهای بنزین سرکوب می کند. طبیعتا با اتخاذ چنین سیاستهایی بی خردانه و نزدیک بینانه و ریاکارانه و پر از تناقض، زمینه مخالفت در ایران را با پذیرش شعار های ارتجاعی و انحرافی فراهم می آورد. شعار "اوباما یا با اونا یا با ما" که شعاری عمیقا ارتجاعی و ساخته و پرداخته دست سازمانهای جاسوسی در ایران است و توسط "یوتوپ" با دستکاری تبلیغ می شود، بر این زمین آلوده رشد می کند.

رژیم جمهوری اسلامی که خودش پرچمدار سرکوب و شکنجه و آزار و پیگرد است، به قدری از مردم خودش واهمه دارد، که حتی تجمع خود جوش مردم برای دفاع از جنبش فلسطین را به شدت سرکوب کرد. برای این رژیم حتی حمایت از حقوق انسانی خلقهای دیگر نیز، باید در مجاری جاری شود، که رژیم از قبل آن را به طور رسمی اعلام کرده است. رژیم جمهوری اسلامی تنها از آنگونه گردهمائی های رسمی حمایت می کند، که مصلحتش ایجاب می کند، ولی شرکت کنندگان در سایر گردهمائی ها باید جلسات خود را در کهریزک برگزار کنند.

رژیمی که روز قدس راه می اندازد تا از حقوق مردم فلسطین دفاع کند، ولی از هرگونه تظاهرات مردم ایران برای دفاع از حقوق خودشان جلوگیری می کند، تزویر خویش را به نمایش می گذارد. رژیمی که از حقوق ملت فلسطین دفاع می کند، باید همان حقوق را برای ملت ایران نیز به رسمیت بشناسد. رژیمی که از برگزاری نمایش پشتیبانی غیر رسمی از مبارزات ملت فلسطین جلوگیری می کند، تنها نشان می دهد که از مردم کشورش می ترسد و می خواهد هر تجمع عمومی تحت نظارت و هدایت خودش باشد. این رژیم طبیعتا ضد مردمی است.

مردم ایران احمق نیستند و این تناقضات را می بینند. آنها حتی به اصالت حمایت رژیم از مبارزه مردم فلسطین شک می کنند. آنها شاهد بوده اند که این رژیم از مبارزه ملی مردم فلسطین حمایت نمی کرد، بلکه از "امت مسلمان" حمایت می کرد. آنها خواهان ایجاد یک فلسطین اسلامی در کشور فلسطین بودند. این سیاست تفرقه افکنانه در فلسطین با شکست کامل روبرو شد. در حالی که سازمان حماس از آزادی و رهائی ملی در فلسطین صحبت می کند و همین امر در مورد حزب الله لبنان صادق است که از آزادی و استقلال ملی در مقابل تجاوز اسرائیل اشغالگر سخن می راند و در این رابطه با نیروهای غیر مذهبی و مسیحی همکاری می کند، برای رژیم جمهوری اسلامی راهی نمی ماند و نماند که از سیاست تفرقه افکنانه خویش حتی اگر شده به صورت تاکتیکی، دست بکشد و تابع واقعیت موجود شود.

همین تناقضات و سرکوب مبارزه دموکراتیک مردم ما و در مقابل مخالفت با تجاوز و اشغالگری و نژادپرستی رژیم صهیونیستی اسرائیل، به این جا منجر می شود، که مردم ایران ریاکاری جمهوری اسلامی را نپذیرند و این زمینه را در شرایط فقدان آزادیهای دموکراتیک و فعالیت احزاب مترقی و انقلابی در ایران، طوری فراهم می کند تا عوامل دشمن و خرابکاران و عمال نفوذی تلاش کنند بر ناآگاهی و کینه مردم از رژیم جمهوری اسلامی بناهای ایدئولوژیک و تبلیغاتی خویش را بسازند و شعارهایی نظیر "نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران" و یا "اوباما با اونانی یا با ما" را تبلیغ کنند. این شعارهای ارتجاعی و صهیونیستی که هدفش تفرقه میان ملتها به نفع اسرائیل در منطقه است بر زمینه ای کاشته می شود که مسبب آن رژیم جمهوری اسلامی است. نیروهای مترقی و انقلابی در ایران هرگز نمی توانند دشمنی و بی اعتمادی ملی را در منطقه تبلیغ کنند. شعار سیاسی مترقی باید ایجاد کننده روحیه همبستگی ملی بوده باشد و ما باید با هرگونه تجاوز و اشغالگری مخالفت کنیم و از هر مبارزه ملی برای رهائی ملتها، که به نفع خود ما نیز هست، حمایت کنیم. ما باید از حقوق دموکراتیک همه ملتها و نه تنها در ایران، حمایت کنیم. خواست رهائی ملی یک خواست دموکراتیک در عرصه خارجی است. ما اگر خواهان تحقق دموکراسی در ایران هستیم، باید این خواست را برای مردم فلسطین و لبنان و سوریه و لیبیا و سایر مناطق نیر بخواهیم و نمی توانیم همان سیاست مزورانه جمهوری اسلامی را در پیش بگیریم و یا "ایراندوستی" را بهانه ای کنیم تا همبستگی ملتهای منطقه را به زیر پرسش برده و روحیه عرب ستیزی، سنی ستیزی، اسلام ستیزی و یا فلسطین ستیزی را تبلیغ کنیم. این سیاست، سیاست روشن اسرائیل و امریکا در منطقه است.

ما ایرانیها باید برای نجات میهنمان و استقرار دموکراسی در آن تلاش کنیم و این امر نه در دشمنی با سایر ملتها، بلکه در همدردی با آنها متحقق خواهد شد. شعار "مبارک، بن علی، نوبت سید علی" بیان روشن خواست مترقی ملت ایران و ابراز همبستگی با ملتهای آزادیخواه منطقه است. نمی شود از ملتها و نیروهای مترقی خواست تا از خواست ملت ایران حمایت کنند و به ضد نقض حقوق بشر در ایران معترض باشند و از حقوق ملت ایران حمایت کرده به اعدامها و شکنجه ها در ایران اعتراض نمایند، ولی خود ما حاضر نباشیم از حقوق آنها دفاع کنیم. نمی شود خواهان گرسنگی دادن به ملت فلسطین شد و به آن اعتراضی نکرد و تجاوز اسرائیل به لبنان و جنایت ضد بشری آنها را با دیده اغماض نگریم، ولی از آنها خواست به حمایت از ما برخیزند.

ما ایرانیها می دانیم که :

بنی آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چون عضوی بدرد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی.

در حالی که این شعار بر سر در سازمان ملل نقش بسته است، مثنی ایرانی خود فروخته سفر احمدی نژاد را به اجلاس سازمان ملل بهانه کرده اند، تا کینه نژادپرستانه و صهیونیستی خویش را با شعار صهیونیستی "نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران" به نمایش بگذارند. پافشاری بر این شعار توسط عمال خود فروخته و سازمان یافته اجنبی، در حالی که در داخل ایران هم از آن یاد نمی شود، نشانه این است که چه دستهای کثیفی در این بازی نقش دارند. صهیونیسم و امپریالیسم نیز به این وضعیت آگاهند و به این شعارهای انحرافی و تفرقه افکن که با ظاهر ایران دوستی، عملاً به نفع اشغالگران است دامن می زنند. نیروهای دمکرات، بشر دوست و انقلابی در ایران، باید ماهیت این شعارها را روشن کنند و به مردم سیاست درست و انقلابی و راه گشا را نشان دهند. مسلماً بخشی از آنهایی که در شرایط خفقان با حرکت از عمق کینه قابل فهم و بی پایانشان به رژیم جمهوری اسلامی، بدون تعمق و دوراندیشی، به این شعارهای انحرافی متوسل شده اند، به خود می آیند و صف آنها از صف خودفروختگان ایرانی که در روز قدس در برلن در المان فدرال با سازمانهای صهیونیستی، نمایشات ضد روز قدس، که عملاً ضد جنبش فلسطین است، برگزار می کنند، جدا می شود.

حزب کمونیست کارگری ایران این پیروان منصور حکمت، سمبل چنین حرکتی در خارج از کشور هستند و مثنی ساده لوح و نادان سیاسی را برای مبارزه به ضد ملت فلسطین، با پنهان شدن در پشت جنایات رژیم جمهوری اسلامی به میدان می آورند. توجه پاره ای از این فریب خوردگان که ما آنها را ناپختگان سیاسی می نامیم این است که می گویند: "فلسطین به ما چه، ما باید به فکر ملت خودمان باشیم". البته این تبری جوئی و بهانه یابی، شکلی بسیار عوامفریبانه دارد. و آنوقت ما به آنها می گوئیم: لطفا شگفت زده نشوید! وقتی نیروهای سیاسی مترقی و ملت‌های جهان این منطق شما را نپذیرند و به خواست حمایت از خودتان با سوء ظن بنگرند. حمایت از حقوق بشر و رهایی ملی، مخالفت با اشغالگری، حمایت از حقوق ملت‌ها، خیابان یکطرفه نیست. در این خیابان، هنگامی رژه عمومی مردم جهان قدرتمند است و ایجاد رعب و وحشت در دل نابکاران می کند، که به اساس همبستگی و اتحاد و احترام متقابل باشد. مبارزه اجتماعی را نباید با کاسبکاری و کلاهبرداری اشتباه کرد. در میان نیروهای کمونیستی، این گونه کاسبکاری جایی ندارد. کمونیستها، بورژواهای بند و بست چی نیستند، که هر روز تحلیل‌هایشان را، و زیر و بم کردن صدایشان را، به اساس کمکهای مالی تنظیم کنند، که از عبدالناصر و ژنرال البکر و صدام حسین و قذافی می گرفتند و یا حالا از موساد و سیا و سازمان امنیت هلند می گیرند. "نه غزه و نه لبنان جانم، فدای ایران" و یا حمله تبلیغاتی تحریک آمیز به سوریه و... به دلایل ستراتیژیک در منطقه در بورس سازمانهای امنیتی خاورمیانه خریدار دارد. مستمری مثنی خود فروخته را افزایش می دهد. حوادث سوریه نشان می دهد که چه در ایران و چه در سوریه دستهای واحد ناپاکی برای انحراف مبارزه دموکراتیک مردم کشور ما در کارند. نفی ماهیت امپریالیسم، سکوت در مقابل صهیونیسم، ایجاد تفرقه در جبهه مشترک مبارزات مردم منطقه و برای ایجاد دشمنی و انزوای آنها از سیاستهای ستراتیژیک امپریالیستها و عمالشان در منطقه میان اپوزیسیون ایران و سوریه است.

حزب ما از مبارزه مردم فلسطین و لبنان به ضد صهیونیست‌های اسرائیلی و اشغالگری، از مبارزه آنها برای رهایی ملی در منطقه حمایت می کند، و تنها تبلیغ دوستی و همکاری خلقهای منطقه را شرط پیروزی در مبارزه مشترک

آنها می داند. همسرنوشتی مبارزه مردم منطقه، واکنش منطقی و دیالکتیکی در مقابل همدستی مشترک امپریالیستها و صهیونیستها در کنترل و سرکوب مردم منطقه است.

نیروهای اپوزیسیون دموکراتیک و مترقی مردم ایران باید با هوشیاری به طرح شعارها برخورد کنند و ماهیت طراحان خودفروخته را که نقاب اپوزیسیون به چهره زده و شعارهای انحرافی پخش می کنند، بشناسند.

بر گرفته از توفان شماره ۱۴۰ آبان ماه ۱۳۹۰ نوامبر ۲۰۱۱، ارگان مرکزی حزب کارایران

www.toufan.org

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی (ایمیل).